

اندیشه تقریب	Andishe.e.Taqrib.44
سال هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، پیاپی ۴۴	Vol. 18, No. 1, Spring 2023
ص ۷۰-۹۷	P. 70-97

تبیین دلایل عدم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی مبتنی بر معیارهای فقهی

سیداصغر جعفری^۱

چکیده

جنگ، زشت‌ترین پدیده در حیات بشری است که حاصلی جز ویرانی، کشتار و تخریب بر جای نمی‌گذارد. در این رخداد هر یک از طرفین در صدد است به هر نحو ممکن و با استفاده از هرگونه ابزار جنگی بر دیگری غلبه پیدا کند. از سده گذشته تا کنون، با پیشرفت علم و فناوری، برخی دولت‌ها مبادرت به ساخت و تولید سلاح‌هایی کردند که موسوم به سلاح‌های کشتار جمعی است. سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای که بر بدن انسان تأثیرات تخریبی پایدار بر جای می‌نهد و خسارات فراوانی به سازه‌های ساخت بشر و محیط زیست وارد می‌کند، از این دسته سلاح‌ها می‌باشد. با بررسی آیات دفاعی در قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌توان به ضوابط و مقرراتی بر ممنوعیت این دسته از تسلیحات دست یافت. هدف از پژوهش حاضر شناسایی معیارهای فقهی در ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است که به شیوه توصیفی تحلیلی انجام شده است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که بر مبنای معیارهایی چون «ممنوعیت سعی بر فساد»، «ممنوعیت اسراف»، «قاعده عدالت»، «منع وزر»، «منع اثم»، و «نهی از تعاون در راه اثم و عدوان»، می‌توان بر ممنوعیت و حرمت تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی دست یافت.

واژگان کلیدی: سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ، قدرت دفاعی، اسلام، مخاصمات مسلحانه.

۱. دانشیار، گروه حقوق و روابط بین الملل، دانشکده مدیریت و مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

مقدمه

قبل از ظهور اسلام جنگ بی رحمانه و وحشیانه بود، زیرا که هر یک از طرفین، تلاش داشته است به هر نحو ممکن و با استفاده از هرگونه ابزار و روش جنگی بر دیگری غلبه پیدا کند. چون هدف پیروزی و نابودی دشمن بود. اما اسلام، بر این ایده خط بطلان کشید و چارچوب انسان دوستانه‌ای را برای صحنه نبرد طراحی کرد. به تعبیر یکی از محققین، اسلام به منظور احترام به کرامت انسانی که شامل جنگ‌جویان و غیر جنگ‌جویان می‌شود، عنصر انسانی و معنوی را وارد جنگ نمود. (ابوالوفاء، ۱۴۲۱ق، ص ۱۶۸).

از جمله عنصر انسانی و معنوی در صحنه نبرد، اصل حاکمیت منطق بر سلاح است. چون تسلیحات مهم‌ترین ابزار قدرت دفاعی در صحنه نبرد محسوب می‌شود. منظور از حاکم شدن منطق بر تسلیحات، این است که اگر ضرورت، جنگ را که امری غیر انسانی است، ایجاد نماید، آن ضرورت باید با محدودیت‌هایی مقید شود. زیرا که تفکر و اندیشه انسان دوستانه اسلامی، در پی آن است تا از میزان بی‌رحمی‌ها که امری معمول و متداول در منازعات مسلحانه است، بکاهد و منطق را بر احساسات و سلاح حاکم سازد. به عبارت دیگر، هر زمان مجبور گشت بنا به اقتضائات خاص زمانی و مکانی دست به اسلحه ببرد نهایت همت و تلاش خود را به کار بست تا با ایجاد کمترین خسارات جانی، مالی و زیست محیطی به هدف خود نائل شود. چرا که جنگ در منطق اسلام هرگز به خاطر انتقام و خشونت، کشتار و تخریب نیست، بلکه کوششی است از برای امحاء بی‌انصافی و ظلم، دفع تجاوز، نجات انسان‌ها از گمراهی و غفلت. در این راستا، خداوند منان رفتار مطلق و بی‌قید و شرط را در جنگ‌ها جایز ندانسته (مانده (۵): ۸؛ بقره (۲): ۱۹۰) و رعایت آن چه را که کرامت انسان اقتضا دارد و نیز از احترامی که باید نسبت به آدمی، مخلوق خداوند، قائل شد (اسراء (۱۷): ۷۰)، الزامی شمرده است (بوآزار، ۱۳۶۲ش، ص ۲۲۹). این مفهوم، به ضرورت موجب محدودیت‌هایی بسیار صریح در اجرای عملیات جنگی و ممنوعیت‌هایی در توسل به جنگ‌افزارهای مخرب شده است.

از دیرباز تا اواسط قرن نوزدهم دولت‌ها برای غلبه بر دشمن از سلاح‌های معمولی و ابتدایی استفاده می‌کردند. سلاح هر عصر، هماهنگ با دگرگونی دانش بشر در زمینه‌های مختلف تمدن و شهرنشینی بوده است. در واقع هر کشف علمی در حوزه‌های مختلف علوم بشری، از جمله شیمی،

فیزیک، صنعت یا حتی نجوم، پزشکی و روانشناسی، اثری روشن به تحول و تکامل جنگ‌افزارها داشته است. به این ترتیب هم زمان با پیشرفت علم و فناوری به ویژه در سال‌های پایانی نیمه اول قرن بیستم، سلاح‌هایی به وجود آمد که قدرت تخریب و ویرانگری بالایی داشته‌اند. این دسته از ابزارهای جنگی موسوم به «سلاح‌های کشتار جمعی»^۱ می‌باشد که شامل سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای است. این سلاح‌ها، نه تنها می‌تواند بر سلامت و حیات بشر و تمام موجودات فعلی زیان‌بار باشد، بلکه برای انسان‌ها و موجوداتی که در آینده نیز حیات خواهند یافت، تهدیدکننده و خطر جدی محسوب شود و حتی فراتر از آن می‌تواند کره زمین را نیز از بین ببرد.

ظهور و تجلی ممنوعیت استفاده از برخی از تسلیحات را اولین بار می‌توان در اعلامیه سن‌پترزبورگ ۱۸۶۸ یافت که کاربرد برخی از ابزارهای جنگی را ممنوع ساخته است؛ سپس در مواد ۲۲ و ۲۳ کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ و آنگاه شکل تکامل یافته آن را می‌توان در ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۷۷ تحت عنوان «قواعد اساسی روش‌ها و ابزارهای جنگی» ملاحظه کرد که بیان شده است:

۱. حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی در هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست؛

۲. به کار بردن سلاح‌ها پرتاب‌شونده‌ها و مواد و شیوه‌های جنگی از نوعی که منجر به وارد آوردن صدمات بیش از حد و درد و رنج غیرضروری می‌شود، ممنوع است؛

۳. به کار بردن شیوه‌ها یا وسایل جنگی که هدف از آن‌ها وارد آوردن خسارات شدید، گسترده و درازمدت بر محیط‌زیست باشد یا احتمال می‌رود چنین اثراتی داشته باشد، ممنوع است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز ممنوعیت استفاده از ابزار یا روش جنگی که در ماهیت موجب ورود صدمه شدید و غیرضروری می‌گردد به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌المللی عرفی (قاعده ۷۰) به رسمیت شناخته است (Henckaerts and Doswald, ۲۰۰۵: ۲۳۷). اگرچه موارد اشاره شده در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها درباره شیوه‌ها و وسایل جنگی قابل تقدیر است، ولی تأکیدی را که ماده ۳۵ پروتکل اول درباره انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی ارائه می‌کند، به صراحت ممنوعیتی را در بر ندارد، و طرفین مخاصمه را به حد معینی محدود نمی‌کند، بلکه فقط بیان می‌کند که حق انتخاب

1. Weapons of Mass Destruction

نامحدود نیست. یعنی بیشتر جنبه پندگونه و نصیحت‌آمیز دارد تا یک تعهد الزام‌آور که طرفین را متعهد به آن سازد. اما قاعده اساسی در دیدگاه اسلامی در این خصوص پند و اندرز نیست، بلکه ممنوعیتی معین و سخت‌گیرانه‌تری است که بر پرهیز از تجاوز از حدود و مقررات تأکید دارد و در چندین آیه از قرآن کریم به صورت اوامر هشدار دهنده آن را یادآوری می‌کند. برای نمونه، آن‌جا که می‌فرماید: هرگز نباید از حدود عدالت و انصاف در استیفای حقوق حقه تجاوز کرد و به راه ستمگری و استبداد افتاد (بقره(۲): ۱۹۰ و مائده(۵): ۲)، در واقع دلالت بر محدودیت‌های مشخص، معین و تعریف شده دارد (جعفری، ۱۴۰۱، ص ۹). بنابراین، با توجه به ریشه‌دار بودن بشردوستی در مکتب اسلام و از سوی دیگر؛ به دلیل وجود قواعد و مقررات درباره حقوق و وظایف انسان‌ها در زمان مخاصمات مسلحانه به‌ویژه ایجاد محدودیت و ممنوعیت در استفاده از برخی از روش‌ها و ابزارهای جنگی، ضرورت دارد دیدگاه اسلام در این باره تبیین شود.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی و با هدف شناسایی معیارهای اسلام در ممنوعیت کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی، به این پرسش اساسی پاسخ خواهد داد که بر مبنای چه معیارهایی می‌توان گفت از دیدگاه اسلام استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی ممنوع می‌باشد؟

۲. مباحث نظری پژوهش

۲-۱. تعریف سلاح‌های کشتار جمعی

تاکنون هیچ یک از مقررات قراردادی حقوق بین‌الملل تعریفی از سلاح‌های کشتار جمعی ارائه نکرده و حقوق‌دانان عمدتاً مصداقی با آن برخورد نمودند. چنان‌که پروفیسور شارل روسو گفته است، این سلاح‌ها بیشتر با ماهیت‌شان معرفی شدند، سلاحی که خاصیت اصلی آن این است که بدون تفکیک و تبعیض عمل می‌کند، یعنی هم نظامیان و هم غیرنظامیان را می‌کشد (روسو، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۱). پروفیسور دیتِر فِلِک نیز سلاح‌های کشتار جمعی را در شمار سلاح‌های ممنوعه قرار داده و آن را شامل سلاح‌هایی می‌داند که موجب آسیب بیش از اندازه^۱ یا درد و رنج غیرضروری^۲ می‌شوند (Fleck, ۲۰۰۹: ۷۰۴). حقوق‌دانان ایرانی نیز در این باره گفته‌اند: «سلاح کشتار جمعی که

1. Superfluous Injury

2. Unnecessary Suffering

در مقابل اصطلاح سلاح‌های متعارف^۱ به کار می‌رود، شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که گاه با علامت اختصاری A.B.C از آن‌ها یاد می‌شود. این نوع سلاح‌ها دارای قدرت تخریب فراوان بوده و به منظور انهدام وسیع به کار رفته و دارای آثار مخربی است که نمی‌تواند به اهداف معینی محدود شود.» (ممتاز، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲) در تعریفی دیگر آمده است: «سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی است که قدرت تخریبی یا انهدامی گسترده، فراگیر، غیر قابل تمایز و وحشتناک دارند. در نتیجه، اهداف آن‌ها را نمی‌توان دقیقاً معین و مشخص و محدود به هدف‌های نظامی یا غیرنظامی، اعم از اموال، تاسیسات و یا انسان‌ها نمود» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱). بنابراین، سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزارهایی اطلاق می‌شود که با توجه به قدرت تخریبی بالا و وسعت حوزه تاثیرگذاری آن می‌تواند تعداد بی‌شماری از انسان‌ها را از بین برده و خسارات فراوانی را به سازه‌های دست بشر و محیط زیست طبیعی وارد کند.

۲-۲. ویژگی سلاح‌های کشتار جمعی

سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای که امروزه از مصادیق بارز سلاح‌های کشتار جمعی به شمار می‌آیند، دارای سه ویژگی مهم و اساسی هستند که بر اساس آن می‌توان آن‌ها را نسبت به سایر سلاح‌ها باز شناخت. این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف. گستردگی بالای تخریب

سلاح‌های کشتار جمعی از نظر قابلیت و توان تخریب کنندگی، با سلاح‌های متعارف غیرقابل مقایسه بوده و از بالاترین توان تخریبی برخوردارند، به طوری که مثلاً با استفاده از یک سلاح هسته‌ای، به آسانی انهدام کلی یک یا چند شهر، میسر خواهد شد. این در حالی است که توانایی تخریبی برخی از سلاح‌های متعارف که دارای مواد و مهمات انفجاری هستند، محدود بوده و صرفاً افراد و اهداف خاصی را مورد اصابت قرار می‌دهند، در نتیجه حجم تلفات شان محدود بوده و باعث کشتار مجموعه‌ای وسیع از افراد (اعم از رزمندگان و غیر نظامیان) نمی‌شود.

در مورد سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک (میکروبی) نیز هر چند آثارشان محدود به افراد انسانی (و سایر جانداران) است و تاثیری بر سیستم‌ها و امکانات فیزیکی ندارد، اما قادرند سطح وسیعی از

1. Conventional Weapons

انسان‌ها را در برگیرد، چنان‌که درباره سلاح‌های بیولوژیک تعمیم این آثار از طریق افراد بیمار به عنوان ناقل، برای گسترش به سایر افراد و شکل‌گیری نوعی اپیدمی یا همه‌گیری ملی، منطقه‌ای و یا جهانی میسر است (ساعد، ۱۳۸۹ش، ص ۳۲). شاید گفته شود اگر از سلاح‌های موسوم به متعارف استفاده سوء شود، قدرت تخریبی بالایی دارند، چنان‌که بمباران وسیع شهر آلمان در ماه‌های پایانی جنگ جهانی دوم، موید این مطلب است (ممتاز، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳)، اما واقعیت این است که قدرت تخریبی بمب‌های عادی، هر اندازه باشد، دو نتیجه به بار می‌آورند، یکی نتیجه فیزیکی: جابه‌جایی هوا که موجب ویرانی ساختمان‌ها و پل‌ها و غیره می‌شود، و دیگری نتیجه حرارتی: موج حرارتی که باعث وقوع حریق می‌شود، اما بمب اتمی نتیجه سومی نیز به بار می‌آورد: تشعشعات رادیواکتیو، به محض این‌که اشعه گاما و نوترون‌ها به بدن انسان برخورد کنند، سلول‌ها را نابود می‌کنند، و اگر موجب کشتن نشوند، ارگانیزم بدن را تضعیف می‌کنند و موجب سرطان خون و بیماری‌های مشابه دیگر می‌شوند (کاسسه، ۱۳۷۵ش، ص ۲۳).

ب. حجم خسارات و تلفات

بر اساس معیار دوم، تنها به سلاح‌هایی می‌توان سلاح کشتار جمعی اطلاق کرد که ماهیتاً جز به منظور انهدام وسیع به کار نمی‌روند، و آثار آن، چنان است که نمی‌تواند به اهداف معینی محدود شود. این آثار عموماً غیرقابل تفکیک، غیر قابل پیش‌بینی و مهار ناشدنی است، به همین سبب این سلاح‌ها را سلاح وحشت می‌نامند (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱۳). وصف سلاح وحشت، گستردگی سطح تلفات و صدمات ناشی از این‌گونه از سلاح‌ها را آشکار می‌سازد. زیرا که جنگ‌افزارهای غیرمتعارف، برخلاف سلاح‌های متعارف محدود به افراد و اهداف معین نمی‌باشد، از این رو، نه تنها توانایی تخریبی بلکه نتیجه عملی کاربرد چنین جنگ‌افزارهایی محدود به اهداف و اشخاص خاص نمی‌گردد. مصداق بارز نتایج کاربرد چنین جنگ‌افزارهایی که خسارت و تلفات سنگینی را ایجاد نمود، یکی هیروشیما و ناگاساکی است که ایالات متحده آمریکا با استفاده از یک بمب هسته‌ای ضمن انهدام کلی این شهر، قریب به دویست هزار نفر را در دم از بین برد و دیگری شهر حلبچه عراق است که رژیم بعثی عراق با استفاده از سلاح شیمیایی موسوم به گاز خردل این شهر را آماج حملات ددمن‌شانه خود قرار داد که در مدت زمان چند دقیقه بیش از پنج هزار نفر از مردم آن دیار اعم از کودکان، زنان، مردان غیرنظامی قربانی شده‌اند (جعفری، ۱۳۹۴ش، ص ۳۳۱).

ج. پایداری اثرات استفاده از آن

سلاح‌های کشتار جمعی به علت نوع تخریب شان علاوه بر آن که بسیار گسترده و وحشتناک هستند، پایان ناپذیر نیز می‌باشند. چنان‌که ویروس‌ها و میکروب‌های به کار برده شده در سلاح‌های بیولوژیکی، مجدد تکثیر می‌شوند و هم‌چنین تشعشعات ایجاد شده پس از یک انفجار هسته‌ای، تا قرن‌ها هم‌چنان باقی می‌ماند. این عوامل، سلاح‌های فوق را از سلاح‌ها و انفجاری‌های متعارف که تاثیر آن‌ها برای همان یک انفجار است، متمایز می‌سازد. تاثیر هیچ یک از سلاح‌های کشتار جمعی، محدود به منطقه انفجار نیست، بلکه بر خلاف سلاح‌های متعارف، عوامل طبیعی مانند آب و باد می‌تواند آن‌ها را منتشر کرده و مناطق وسیعی را آلوده سازد (فاولر، ۱۳۸۱ش، ص ۶۰). علاوه بر آن که، آثار زیان بار این‌گونه از سلاح‌ها تنها محدود به موجودات فعلی نبوده، بلکه برای موجوداتی که در آینده نیز حیات خواهند یافت، تهدید کننده است. یعنی آن‌هایی که آن‌جا زندگی می‌کنند، یا آن‌هایی که نزدیک منطقه نبرد هستند، ممکن است عامل سم پایدار در معده آن‌ها باقی بماند، و یا در معرض تشعشعات اتمی یا دیگر مواد شیمیایی سرطان زا تغییرات ژنتیکی در آن‌ها ایجاد شود (Alexander Kiss and Dinah Shelton, ۲۰۰۴: ۷۳۳). این چنین است که آنتونیوکاسسه آثار دیرپای بمب اتمی را یکی از غیرانسانی‌ترین جنبه‌های بمب اتمی ذکر می‌کند (کاسسه، ۱۳۷۵ش، ص ۳۰). ایشان شاهد مثال این اثرات دیرپا بر انسان‌ها را وضعیتی می‌داند که بعد از حادثه هیروشیما و ناکازاکی، برای رها یافتگان این حادثه ظهور کرده است. از جمله به خطر افتادن فرآیند زاد و ولد برای مدتی، سترون شدن مردان، ساقط شدن جنین زنان باردار و قطع شدن عادات ماهیانه آنها، به دنیا آمدن کودکانی عجیب الخلقه (مانند کوچکی بی اندازه سر، عقب افتادگی مغزی و...) و یا عمر کوتاه آن‌ها به دلیل دچار شدن به بیماری‌های سرطانی گوناگون (همان، ص ۳۲۳۰).

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. زیرا از نتایج این تحقیقات می‌توان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده کرد (<http://www.iranresearches.ir>). از نظر ماهیت کیفی و به لحاظ روش گردآوری اطلاعات، توصیفی تحلیلی است. در این روش، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مساله می‌پردازد.

در این پژوهش ابتدا ضمن تعریف سلاح‌های کشتار جمعی، ویژگی‌های آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته، و سپس ضمن تشریح دلایل ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی در اسلام، شش معیار در ممنوعیت کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام احصا شد تا در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام دفاعی در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

۴-۱. ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی در سیره پیامبر ﷺ

یکی از افتخارات مکتب حیات‌بخش اسلام این است که با قاطعیت اعلام داشته است که اصل در روابط میان مسلمانان با دیگر ملت‌ها صلح است، نه جنگ: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ (انفال(۸): ۶۱) و در صورتی که دشمنان به صلح مایل باشند، تو نیز (ای پیامبر) از در صلح و آشتی درآی و بر خداوند توکل نما.

در سوره‌ای دیگر، ضمن اشاره به این اصل که حالت دشمنی‌ها و ستیزه‌های پیشین، هر قدر که خشم آلود و کینه‌توزانه باشد، نباید بر روابط مسالمت‌آمیز بین جوامع بشری اثر نامطلوب گذاشته و بر عواطف اصیل انسانی و حس همکاری خیرخواهانه‌شان خدشه‌ای وارد سازد، به اصل اساسی صلح چنین تاکید می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا. وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده(۵): ۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید... البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند شما را به تعدی و ا دارد و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یک دیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید.

سیره پیامبر ﷺ نیز نشان می‌دهد که آن حضرت تمامی مساعی و تلاش خود را معطوف به این داشته است تا این اندیشه در روابط با دیگران برترین جایگاه را کسب کند. چنان‌که پس از بعثت، آن حضرت و یارانش مدت ۱۳ سال در مکه انواع رنج‌ها و محنت‌ها را از سوی مشرکان تحمل کردند و در این راستا رسول‌خدا ﷺ پیوسته مشرکان را با حکمت و پند نیکو به اسلام دعوت می‌کرد (نحل(۱۶): ۱۲۵). در طول این مدت نه تنها از سوی خداوند مٔان به ایشان اجازه نبرد و جنگ با دشمنان داده نشده است، بلکه به عکس آن چه از سوی خداوند مٔان به رسولش توصیه می‌شد، اجتناب از جنگ و خونریزی بوده است: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ

السَّاعَةَ لَا تِيَّةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿﴾ (حجر (۱۵): ۸۵)؛ ما آسمان‌ها و زمین و آن چه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم، و قیامت قطعاً آمدنی است، پس تو ای پیامبر، کفر و تمسخر کافران را نادیده انگار و به نیکی چشم پوشی کن.

پس از هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه نیز مشرکان دست از شیوه خصمانه خود برنداشتند، تا آن جا که مسلمانان به ستوه آمدند، ولی صبر و پایداری داشتند. سرانجام حدود یک سال و اندی پس از هجرت به آنان اجازه جنگ داده شد. آیه‌های قرآنی که به منظور اجازه جنگ نازل گردید، دلایل مشروعیت آن مثل دفع ظلم و دفاع در برابر نیروهای متجاوز (حج (۲۲): ۳۹)، جلوگیری از فتنه در دین (بقره (۲): ۱۹۳) و نجات محرومان و مستضعفان (نساء (۴): ۷۵) ذکر گردیده است. به عبارت دیگر، چنانچه مشرکان اقدام به ظلم و تجاوز نمی‌کردند، دعوت صلح‌آمیز رسول خدا ﷺ هم چنان ادامه می‌یافت. این چنین است که پیامبر اکرم ﷺ به عنوان فرمانده نیروهای مسلح سپاه اسلام، هرگاه لشکری را به مناطقی اعزام می‌نمود، آن‌ها را در مقابل خود می‌نشاند و دستوراتی را در خصوص رعایت حقوق انسانی و پرهیز از اقدامات غیرانسانی در مواجهه با دشمن صادر، و آن‌ها را ملزم به رعایت آن می‌نمودند. از جمله این‌که خطاب به رزمندگان مسلمان می‌فرمودند: «با نام خدا و در راه خدا و دین رسول خدا ﷺ حرکت کنید، به یک‌دیگر خیانت نورزید و کسی را مثله نکنید و پیمان نشکنید. پیرمردان، پیرزنان، اطفال خردسال و زنان را نکشید. تا ناگزیر نشده‌اید درختان را قطع نکنید و اگر مسلمانی خواه از فرومایه‌ترین یا شریف‌ترین به یکی از کفار امان می‌دهد تا کلام خدا را بشنود، او در امان است تا کلام خدا را بشنود. پس اگر اسلام را پذیرفت، برادر دینی شماست و گرنه، او را به محل خود باز گردانید و از خداوند یاری بجوید» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۴۳). به این ترتیب ملاحظه شد که وقتی اسلام در روابط خود با دیگران اصل را بر صلح و امنیت قرار داد، و پیامبر اکرم ﷺ نیز چنین دستوراتی را صادر نمودند، مگر می‌شود در جنگ‌ها استفاده از هرگونه تسلیحات را برای نبرد با دشمنان مجاز بدانند؟

در این جا ممکن است این سوال مطرح شود که آیا در صدر اسلام، سلاح کشتار جمعی وجود داشت تا بتوان گفت پیامبر ﷺ آن را منع کرده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: درست است، سلاح‌هایی که در آن زمان به کار می‌رفته، واجد خصوصیتی نبوده که بتوان بر آن‌ها سلاح کشتار جمعی اطلاق کرد و آن سلاح‌ها، جراحات و آسیب‌های جبران‌ناپذیر و غیرلازمی که افزون

بر از کار انداختن نیروی جنگی دشمن باشد، وارد نمی‌کرده‌اند. اما در این میان سلاح‌هایی وجود داشته که می‌توان آن را مصداقی از سلاح‌های کشتار جمعی دانست، و آن سم است. در آن عصر استفاده از سم و سلاح سمی امری رایج بوده است که متخصصین به منظور به زانو درآوردن طرف مقابل از آن استفاده می‌کردند (محقق داماد، ۱۳۸۳ش، ص ۸۵). زیرا «اثر اولیه سم و سلاح سمی مسمومیت و خفگی است. از این رو، آلوده کردن سلاح‌ها با سم باعث مرگ تدریجی توأم با رنج قربانی شده و حتی مانع بهبودی جراحات ناشی از تیرهای آلوده می‌شد.» (Henckaerts، ۲۰۰۵: ۲۵۳) به همین دلیل، به کار بردن نیزه‌های سمی که معرف سنخ ابزار نظامی آن عصر بود، ممنوع گردید (Mohagegh Damad، ۲۰۰۵: ۴۰۳۹۹).

اگر در متون روایی و اقوال فقهی صراحتی در منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی دیده نمی‌شود، ولی از برخی از استدلال‌هایی که در لابه لای بحث‌های فقهی آمده می‌توان حرمت به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی را به دست آورد. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳ش، ج ۵، ص ۱۶۹-۱۷۵) چنان‌که صاحب جواهر در رد نظریه محقق حلی مبنی بر مکروه شمردن استفاده از سم از طریق مسموم کردن آب‌ها می‌نویسد: «روایتی از سکونی به نقل از امام باقر علیه السلام است که فرمود: "نهی رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ"؛ پیامبر صلی الله علیه و آله از این‌که در سرزمین مشرکان سم پاشیده شود، نهی فرمود». از متن روایت می‌توان چنین برداشت نمود که چون استفاده از سم موجب کشته شدن کودکان، زنان، پیران، مسلمانان و کسانی که کشتن آن‌ها جایز نیست می‌گردد، از این رو در حدیث به طور مطلق استفاده از سم منع شده است (نجفی، ۱۳۶۸ش، ج ۲۱، ص ۶۸). این استدلال به وضوح عدم مشروعیت استفاده از کلیه سلاح‌های کشتار جمعی را شامل می‌گردد (عمیدزنجانی، همان). چنان‌که صاحب جواهر در ادامه استدلال خود می‌افزاید: «به‌کارگیری این نوع سلاح‌هایی که به صورت کور همه را یک جا نابود می‌کند، حتی در شرایطی که پیروزی بستگی به آن دارد، قابل تأمل است، و می‌توان گفت که حدیث سکونی با اطلاق و شمولی که در نهی دارد، این‌گونه موارد را نیز شامل می‌گردد» (نجفی، همان).

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پایه‌گذار مکتب فضیلت و انسانیت است، اجازه استفاده از سم به عنوان سلاح را به سربازان نداده است، چون سم چیزی است که اگر مورد استفاده قرار گیرد، موجب به خطر افتادن حیات موجودات ذی‌حیات اعم از انسان‌ها، حیوانات و حتی گیاهان می‌شود، از این رو

پیامبر ﷺ از انداختن سم به بلاد کفار نهی کرده است. البته در این جا سم اصالت ندارد و اسلام به سم نظر خاصی ندارد، بلکه آن چه اصالت دارد این است که نباید مسلمانان در میدان جنگ از سلاح‌هایی استفاده کنند که باعث از بین رفتن مردم غیرنظامی، ویرانی شهرها و آسیب و خسارت بر محیط زیست گردد. آن روز این عمل ضد انسانی به وسیله سم انجام می‌شد، امروز توسط سلاح‌های شیمیایی و میکروبی انجام می‌گیرد. بنابراین اسلام با این نحوه از برخورد که موجب نابودی میلیون‌ها نفوس بشری و آلودگی محیط طبیعی می‌شود، مخالف است. (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹-۱۷۰).

۴-۲. معیارهای دینی در ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی

نگاهی گذرا به حوادث و اتفاقات پیش آمده در اقصی نقاط گیتی و در ادوار مختلف و به شیوه‌های متعدد، از جمله یورش‌های وحشیانه، غارت اموال، قتل عام‌های فجیع، به اسارت بردن زنان و کودکان بیان‌گر آن است که زیاده‌طلبی و تجاوز به حقوق دیگران یک امر عادی بوده است. در این راستا، دولت‌های سلطه‌گر و متجاوز، به تناسب پیشرفت علم و فن‌آوری، در انتخاب و استعمال ابزارهای نبرد هیچ محدودیتی برای خود قائل نبوده‌اند، چون هدف نابودی کامل دشمن و قتل و غارت بود. از این رو، با استفاده از ابزارها و روش‌های بی‌رحمانه منظور خود را عملی می‌کردند. ابزارهایی که قادر به تشخیص هدف نظامی از هدف غیرنظامی نبود و درد ورنج بیهوده بر رزمندگان وارد می‌کرد (جعفری، ۱۳۹۶، ص ۴۳۴). کاربرد سلاح شیمیایی توسط دولت آلمان در جنگ جهانی اول (Brown, ۱۹۶۸: ۵۳)؛ دولت آمریکا در جنگ با ویتنام (الغریب، ۱۳۸۹، ص ۸۶-۹۵)؛ بمباران هسته‌ای شهرهای هیروشیما و ناگازاکی توسط دولت آمریکا (Prelas, Mark A . and Michael S. Peck, ۲۰۰۵: ۳۲۲) و در چند دهه اخیر به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی با ایران از جمله مصادیق بارز کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی است.

مکتب اسلام با تبیین معیارهایی حق رزمندگان به انتخاب سلاح‌های مورد استفاده را محدود کرد، و استفاده از سلاح‌هایی را که درد ورنج غیر ضروری و ناهنجار ایجاد می‌کنند یعنی سلاح‌های کشتار جمعی را منع کرد. چنان‌که در دوران هشت سال دفاع مقدس، حضرت امام علیه السلام، با وجود

بمباران شیمیایی شهرهای ایران توسط رژیم بعثی عراق^۱، دستور به اجازه اقدام متقابل برای رزمندگان اسلام را نداده‌اند.

محسن رفیق‌دوست یکی از مسئولان سپاه ایران در مصاحبه‌ای اختصاصی با «گرت پورتر» روزنامه نگار آمریکایی اعلام کرد، هنگامی که نیروهای ایران نخستین حمله عراق را دفع کرده و ضدحمله‌ای در داخل عراق آغاز می‌کنند، صدام حسین شروع به استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه نیروهای ایرانی کرد. ایشان می‌گوید: گروه‌هایی از متخصصان را برای کار در حوزه تمام نیازهای نظامی کشور در آن زمان سازماندهی کردیم که یکی از این گروه‌ها در حوزه «شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای» بود. رفیق دوست گزارشی را درباره فعالیت تمام گروه‌های تخصصی سازماندهی شده آماده کرده و برای گفت‌وگو درباره آن با این امید که امام خمینی رحمته‌الله شروع کار روی تسلیحات شیمیایی و هسته‌ای را آغاز کند، خدمت ایشان می‌رسد. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با حضور فرزندش، سیداحمد خمینی، حضور رفیق دوست را می‌پذیرد. وی می‌گوید، هنگامی که حضرت امام رحمته‌الله گزارش را خواندند، به گروه شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای به شدت واکنش نشان دادند و فرمودند: «این دیگر چیست؟» بلافاصله ایشان فتوا صادر کرد که تولید این دسته از تسلیحات مغایر با موازین اسلامی است: «مهم نیست که این تسلیحات در میدان جنگ استفاده شود یا در شهرها. ما با آن مخالفیم. تولید چنین تسلیحاتی حرام است. شما تنها اجازه دارید تجهیزات حفاظتی تولید کنید.» رفیق دوست یادآور می‌شود که حضرت امام رحمته‌الله با اشاره به برتری معنوی جمهوری اسلامی ایران مقابل دولت سکولار عراق پرسیدند، اگر ما هم تسلیحات شیمیایی تولید کنیم، آن وقت چه فرقی میان ما و صدام وجود دارد؟ (پایگاه اینترنتی فرهنگ نیوز) گرت پورتر در ادامه این موضوع در کتاب خود بحران ساختگی: داستان ناگفته هراس از ایران هسته‌ای^۲ می‌نویسد: «دلیل اصلی عدم استفاده

۱. عراق، به دلیل ضعف قوای نظامی اش در مقابله با نیروهای پرتوان اسلام، به منظور پوشش دادن شکست‌های خویش در مناطق عملیاتی، استفاده از سلاح شیمیایی را در کنار دیگر سلاح‌های مرگ بار خویش قرار داد. (زمانی، ۱۳۸۰، ص ۶۸) جمهوری اسلامی ایران در جهت جلوگیری از این جنایت، درخواست اقدامی قاطع و جدی کرده بود، اما هیچ گونه اقدام موثری در این زمینه مشاهده نکرده است. این در حالی بود که نه تنها رژیم بعثی عراق به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ اعتراف داشته و اسناد و مدارکی دال بر تأمین تسلیحات شیمیایی به عراق از سوی دولت‌های انگلیس، آلمان، شوروی سابق، آمریکا و فرانسه در آن دوران منتشر شده بود (الغریب، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵-۱۴۷)، بلکه گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد درباره استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی نیز موید این قضیه بوده است (کرد بچه حسین اباد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸-۱۵۸).

2. Manufactured Crisis: The Untold Story of the Iran Nuclear Scare

ایران از تسلیحات شیمیایی، ناتوانی این کشور در دست‌یابی به فرمول ترکیب مواد شیمیایی نبود، بلکه این بود که آیت‌الله خمینی بر اساس فقه اسلامی این تسلیحات را ممنوع کرده بود» (پورتر، ۱۳۹۳، ص ۹۱).
مهم‌ترین معیارهای فقهی که بر اساس آن می‌توان بر منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی استناد کرد عبارتند از:

۴-۲-۱. ممنوعیت سعی بر فساد

فساد در فرهنگ فارسی به معنی تباه شدن، از بین رفتن، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری است (معین، ۱۳۸۲ ش، ذیل واژه فساد). فساد که نقطه مقابل صلاح است، به هرگونه تخریب و ویران‌گری گفته می‌شود. در تعریف دیگری «فساد خارج شدن از حد اعتدال است، چه زیاد باشد یا کم و ضدش صلاح است. مورد استعمالش در جان، بدن و اشیائی است که از حد اعتدال و مستقیم خارج شده‌اند (راغب، ماده فسد). قرآن کریم در آیات متعددی از فساد در زمین سخن گفته و هرگونه اقدامی که موجب فساد در زمین شود، مورد نهی قرار داده است: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾ (اعراف (۷): ۵۶)، ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾، ﴿وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص (۲۸): ۷۷ و ۸۳).

صاحب المیزان در بیان آیه اخیر می‌نویسد: «آیه شریفه اشاره دارد به این که «در طلب فساد در زمین مباش، و از آن چه خدا از مال و جان و حشمت به تو داده استعانت در فساد مجوی، که خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد؛ چون بنای خلقت بر صلاح و اصلاح است.» (طباطبایی، (بی تا)، ج ۱۶، ص ۱۱۲) منظور از فساد در زمین، ایجاد اختلال در نظام احسن جاری در حیات زمینی انسانی است (ایدرم، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲). بنابراین، در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین ختم گردد، مصداق سعی بر فساد و در نتیجه محکوم به حرمت خواهد بود (مبلغی، ۱۳۹۰، ص ۲۲).
از آیات اشاره شده این نتیجه حاصل می‌شود که خداوند منان کسانی را که در زمین فساد ایجاد کنند دوست ندارد و بدین وسیله با صراحت بیزاری خود را به نحو مطلق و بدون هیچ قیدی از فساد اعلام می‌دارد. لذا این دسته از افراد چون که در برابر فرمان الهی طغیان می‌نمایند، مورد غضب الهی قرار می‌گیرند. چنان‌که می‌فرماید: «در بهره‌برداری از روزی‌ها با ناسپاسی و کفران نعمت تجاوزگری نکنید که خشم من بر شما لازم خواهد شد، و هر که خشم من بر او لازم شود، قطعاً سقوط می‌کند

و تباه می‌گردد.» (طه (۲۰): ۸۱). منشا این معیار دینی آیه زیر است: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره (۲): ۲۰۵)؛ و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباه کاری را دوست ندارد.

در این آیه علاوه بر آن‌که به صراحت بیزاری خداوند را از فساد در ارض اعلام می‌کند، بلکه مظاهر و مصادیق برجسته فساد را هلاک نسل و منابع زیست محیطی بر می‌شمارد.

«حرث» به معنی زراعت، و «نسل» به معنی اولاد است، و بر اولاد انسان و غیر انسان اطلاق می‌شود. بنابراین هلاک کردن حرث و نسل به معنی از میان بردن هرگونه موجود زنده است، اعم از موجودات زنده نباتی، یا حیوانی و انسانی». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۴-۷۵) از این رو، چون هلاکت انسان‌ها و نابودی کشت و زرع مصادیق فساد و کاری حرام است، مورد نهی واقع می‌شود، ضمن آن‌که تعدی از حدود الهی نیز می‌باشد که در آیه‌ای دیگر بر نهی آن تاکید شده است (طه (۲۰): ۸۱). چنان‌که فقیه نامدار شیعه مقدس اردبیلی تاکید می‌نمایند از آن‌جایی که خداوند منان اسراف را مورد غضب خود قرار داده پس کسی که اسراف در کار داشته باشد مرتکب کار حرام شده است (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ص ۷۲). بر این اساس؛ اولاً با توجه به این‌که سلاح‌های کشتار جمعی، موجب ظلم و سبب ایجاد فساد در زمین و تهدید کل بشریت است، مقابله به مثل داشتن این‌گونه سلاح جایز نیست و کار بستش در دین حرام و ممنوع می‌باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۳۶). چرا که کاربرد آن‌ها در جنگ باعث کشتار انسان‌ها و نابودی گیاهان، درختان، حیوانات و مزارع می‌شود، و نابودی کشت و نسل نیز از مصادیق بارز افساد در زمین می‌باشد. ثانیاً از آن‌جایی که «به محض نخستین بهره‌گیری از این سلاح‌ها، بهره‌گیری‌های بعدی به گونه‌ای پیوسته و در قالبی کنترل‌ناپذیر سبب شعله‌ور شدن آتش جنگی می‌گردد که نتیجه آن تحقق فساد بسیار پر دامنه در زمین است، بدین سان طبق قاعده «حرمت سعی بر فساد در زمین» گام زدن در وادی تولید و مسابقه تسلیحاتی به دلیل عواقبی که دارد، ناصحیح و از نظر فقهی مردود است» (مبلغی، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

۴-۲-۲. منع وزر

وزر به معنی سنگین، پناهگاه و کوه‌هاست، و گاه به معنی مسئولیت نیز آمده است، چنان‌که وزیر را از این نظر وزیر می‌گویند که بار مسئولیت سنگینی بر دوش می‌کشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴،

ج ۱۸، ص ۲۲۴). وزیر در اصطلاح فقهی به معنای لغوی آن به کار رفته (الجوهري، الصحاح تاج اللغة وصحاح، ج ۲، ص ۸۴۵)، و عبارت است از شخصی بودن مسئولیت‌های هر فرد در جامعه. منع وزر اشاره به این موضوع دارد که دامنه مجازات نباید به بیش از فراسوی کسانی کشیده شود که استحقاق آن را دارند. به عبارت دیگر، هیچ کس نباید دچار عواقب وزر و وبالی گردد که سبب آن از ناحیه دیگران ارتکاب یافته است (مبلغی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). این قاعده که از آن در حقوق موضوعه با عنوان «اصل شخصی بودن مجازات‌ها» تعبیر می‌شود از نقاط مشترک فقهی و حقوقی می‌باشد که بر اساس آن تنها کسی را می‌توان تعقیب و مجازات کرد که مرتکب جرم شده باشد (اعم از مباشر، معاون، شریک) و دیگران حتی خویشان و نزدیکان مجرم از تحمل کیفر و تعقیب قضایی در امانند (وزیری، ۱۳۸۵، ص ۸۴). ریشه اصلی این قاعده فقهی آیه ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ است. (اسراء (۱۷): ۱۵؛ فاطر (۳۵): ۱۸؛ زمر (۳۹): ۷؛ نجم (۵۳): ۳۸) و انعام (۶): ۱۶۴؛ و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد.

به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی برای نمونه سلاح‌های هسته‌ای، نقض منع وزر را به صورتی تکرار شونده و انبوه در پی دارد؛ از آن جهت که به شیوه‌ای گسترده و فارغ از تمایزگذاری، مجموعه‌ای وسیع از انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. بلکه حتی فراتر از نسل‌های فعلی بشر، حملات مرگ بار سلاح‌های هسته‌ای متوجه نسل‌های آینده هم خواهد شد و تباهی آن‌ها به صورت زایشی برای مجموعه گسترده‌ای از انسان‌ها در ابعادی فرا نسلی (نسل‌های آینده) پایدار خواهد ماند، ممنوع می‌باشد (مبلغی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). به عبارت دیگر، بر اساس این معیار اسلامی، چون که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی تحمیل وزر و وبالی علیه اشخاصی است که نقشی در ارتکاب آن نداشته‌اند و انجام این اقدام بر خلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها است، بنابراین، سلاح‌های کشتار جمعی در شمار ممنوعیت‌ها قرار می‌گیرد.

۴-۳. اجرای عدالت

آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام و نیز فتوای فقها بر این حقیقت تاکید دارند که عدالت به مثابه یکی از مهم‌ترین قاعده فقهی می‌باشد که حیات انسان بر پایه آن استوار خواهد ماند (اصغری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). هر چیزی که بهنجار و درست و مطابق شرع الهی است. عدالت است. عدالت در دوزمینه بیان می‌شود؛ یعنی عدل خداوند درباره آفریدگان و عدالت آنان نسبت به یک‌دیگر (بوآزار،

۱۳۶۲، ص ۹۷۹۶). خداوند متعال خطاب به رسولش در مورد اجرای عدالت در بین انسان‌ها دستور موکد داده است: ﴿وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾ (شوری (۴۲): ۱۵)، ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ﴾ (نساء (۴): ۱۳۵) و ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده (۵): ۸).

عدالت، به معنی احترام به حقوق دیگران (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵) و رعایت تقوا در رفتار و مطابقت دادن آن‌ها با دستورات دینی و الهی (یوسفی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)، یکی از دستورات متعالی اسلام است که مسلمانان باید آن را در سرلوحه امور قرار دهند. زیرا کسی که از ایمان دینی برخوردار است و به انسان حداقل به عنوان مخلوق خدا و حداکثر به اندازه خلیفه الله نگاه می‌کند، اصل را بر رعایت حقوق همگان و بر همبستگی، وحدت، همدلی و خیرخواهی می‌گذارد و بر خود واجب می‌داند که هم به وجوب عقلی و هم به وجوب شرعی، حقوق دینی و انسانی همگانی را رعایت کند چه از آن باب که رعایت حقوق دیگران، رعایت حقوق برادر دینی بوده و چه از آن باب که دیگران هم نوع خود و مخلوق خدا هستند (یوسفی‌راد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰)؛ چنان‌که امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر می‌نویسد: «ای مالک! مردم دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند یا در خلقت نظیر و مانند تو هستند، [در هر صورت حقوق شان بر تو واجب است]» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۵۶۶). بنابراین، از آن جایی که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی به جهت ماهیت‌شان یعنی عدم تمایز قائل شدن بین افراد و اهداف نظامی و غیرنظامی، منجر به تضییع حقوق رزمنده و غیررزمنده (مردم) و کشتار افراد بی‌گناه که دخالتی در جنگ ندارند، مانند زنان، کودکان، سالخورده‌گان، بیماران، مجروحان و نیز نابودی محیط زیست طبیعی می‌شود، از مصادیق اعتداء و تجاوز از حد است (بقره (۲): ۱۹۰ و ۱۹۴)، به همین لحاظ برخلاف قاعده عدالت به شمار می‌رود. زیرا که این قاعده معتقد است که جهان باید به سوی برابری اعتدال و نیکی انسان پیش برود، ولی به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی، همه چیز را از راه اعتدال و نیکی خارج می‌کند. از این رو، بر طبق این قاعده، کاربرد این تسلیحات در زمره ممنوعیت قرار می‌گیرند.

۴-۲-۴. ممنوعیت اثم

اثم به معنی گناه، عبارت است از حالتی که در انسان، یا هر چیز دیگر، در عقل پیدا می‌شود که باعث کندی انسان از رسیدن به خیرات می‌گردد، پس اثم آن گناهی است که به دنبال خود شقاوت و

محرومیت از نعمت‌های دیگری را می‌آورد، و سعادت زندگی را در جهات دیگری تباہ می‌سازد (طباطبایی، (بی‌تا)، ج ۲، ص ۲۸۹). قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره (۲): ۲۱۹)؛ گناه‌شان از سودشان بزرگ‌تر است.

اگرچه آیه شریفه در ارتباط با «خمر و میسر» وارد شده، ولی درواقع یک قاعده است و قابل تطبیق در هر مورد که بزرگ‌تر بودن اثم در آن احراز شود. مطابق این قاعده اگر اثم یعنی گناه و زشتی و پلشتی در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ‌تر باشد، تحریم می‌گردد. سلاح‌های کشتار جمعی برای نمونه سلاح هسته‌ای مصداق اثم این قاعده است. این سلاح به وضوح، اثمی بزرگ‌تر از نفع دارد. زیرا که تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای آن چنان دهشت انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. در ارتباط با خمر و میسر، شارع مقدس خود بزرگ‌تر بودن اثم را اعلام نموده، ولی در ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی، تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در آن اتفاق نظر دارند. به واقع همه معتقدند که فساد نهفته در این دسته از تسلیحات، فساد ذاتی و حداکثری است. بنابراین، از این ره‌گذر احراز موضوع قاعده شکل می‌گیرد (مبلغی، ۱۳۹۰، ص ۲۲). علاوه بر آن که خداوند متعال هر عملی که مصداق اثم باشد را تحریم کرده، چنان‌که فرموده است: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (اعراف، آیه ۳۳)؛ بگو پروردگار من فقط زشت کاری‌ها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است.

۴-۵. نهی از تعاون در راه اثم و عدوان

معیار نهی از تعاون در راه اثم و عدوان یکی از قاعده‌های قرآنی است که می‌توان به عنوان دلیل دینی در ممنوعیت پاره‌ای از سلاح‌ها به آن استناد نمود. زیرا فقیه نامی آیت‌الله سید محمدحسن بجنوردی در القواعد الفقهیه آورده است که معاونت در راه اثم و عدوان دلالت بر حرمت دارد (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۱). دلیل این قاعده این آیه شریفه است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده (۵): ۲)؛ بر نیکی و تقوی با یک دیگر همکاری کنید و بر محور گناه و تجاوز تعاون و مشارکت ننمائید.

شیوه بیان احکام و مقررات حقوقی در قرآن امری شناخته شده و کاملاً مشخص است. در کلیه مواردی که قرآن از واژه «امر» یا «نهی» استفاده می‌کند، بی‌شک در مقام قانونگذاری و تبیین قواعد

حقوقی و الزامی است. علمای علم اصول فقه «امر» را دلیل بر وجوب، و «نهی» را دلیل بر حرمت دانسته‌اند. از این رو، مفاد اوامر و نواهی قرآن را باید به صورت قانون و قاعده حقوقی الزامی تلقی کرد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۳۷).

تعبیری که قرآن در بیان حکم تعاون و مشارکت انتخاب کرده، در حقیقت صریح‌ترین واژه برای تفهیم یک قاعده الزامی است. چنان‌که مقابله بین امر به تعاون در راه «برّاً و تقوا»، و نهی از تعاون در راه «اثم و عدوان»، در توضیح این تبیین می‌تواند جالب توجه نماید: مفاد ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ دعوت الزامی از همه افراد جامعه و ملل جهان برای اجرای این اصل در سطوح مختلف و ابعاد زندگی انسانی است. چنان‌که مفاد ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ چیزی جز یک قانون در زمینه ممنوع بودن هر نوع مشارکت و همکاری در زمینه فساد و تباهی است (همان). بنابراین از آنجایی که روی آوردن به سلاح‌های کشتار جمعی، مصادیق بر مانند عدالت، صلح و امنیت (همان، ص ۴۳۵) را مورد تهدید قرار می‌دهد، بر این اساس، این گونه سلاح‌ها مصادق اثم و عدوان می‌باشند و مشمول این قاعده قرآنی می‌شود. از سوی دیگر، اسلام بر استمرار حیات و بقای انسان‌ها تأکید دارد نه بر تنازع بقا (ممتحنه (۶۰): ۸ و نساء (۴): ۹۰). لذا به استناد آیه شریفه یاد شده، از آنجا که سلاح‌های کشتار جمعی بر پایه تنازع بقا تولید گسترش یافته و مورد استفاده قرار خواهند گرفت، مشمول این قاعده می‌شود.

۴-۲-۶. ممنوعیت اسراف

اسراف از ریشه «س ر ف» یعنی تجاوز کردن و از حدّ گذشتن در هر کاری که انسان انجام می‌دهد (راغب، بی‌تا، ماده سرف). اگرچه واژه اسراف، مفهوم بسیار گسترده‌ای داشته و ابعاد گوناگونی از حیات بشر را در بر می‌گیرد (اعراف (۷): ۳۱؛ اسرا (۱۷): ۳۳؛ غافر (۴۰): ۳۴؛ دخان (۴۴): ۳۱). اما در واقع به معنای خارج شدن از حد اعتدال و تجاوز از حد در هر عملی است که انسان انجام می‌دهد (طباطبایی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۱۹). اسراف کنندگان در نزد خداوند منان کسانی هستند که حد و مرز را تجاوز نموده و از حد اعتدال به طرف زیاده روی خارج شده‌اند و در

۱. «بر» یعنی نیکی و هرکار و تلاش ثمره بخشی که به نحوی برای انجام دهنده آن و یا نسبت به دیگری و یا جامعه سودمند باشد. این کلمه فعالیت‌های مفیدی را که در زمینه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و در مقیاس بین‌المللی انجام می‌گیرد، شامل می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۴۳۴)

نتیجه در نزد الهی از مرتبتی برخوردار نیستند، چون مرتکب فعل حرام شده‌اند، به همین لحاظ خداوند منان آن‌ها را دوست ندارد: ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (انعام (۶): ۱۴۱).

فقیه نامی ملا احمد نراقی اسراف را زیاده روی و تجاوز از حد می‌داند. (نراقی، ۱۴۱۷هـ، ص ۶۳۰)، و بر حرمت آن تاکید می‌ورزد (همان، ص ۶۱۶). ضمن آن که صاحب جواهر نیز بر این موضوع تاکید داشته است (نجفی، ج ۱۳، ص ۳۱۱ و ۳۱۳).

آن‌چه که در این نوشتار مورد ملاحظه قرار گرفته، اسراف از جنبه نظامی‌گری و عملیات جنگی است و آن این‌که مطابق با این قاعده، رزمندگان اسلام در مخاصمات مسلحانه از آزادی حق انتخاب هرگونه ابزار و سلاح جنگی در مواجهه با دشمن برخوردار نیستند. زیرا که پاره‌ای از این سلاح‌ها به گونه‌ای عمل می‌نمایند که فاقد قابلیت تفکیک میان رزمنده و غیررزمنده و نیز اهداف نظامی از غیرنظامی می‌باشد، و به‌علاوه تنها رزمنده را از میدان و صحنه نبرد خارج نمی‌سازد. از این رو، به استناد قاعده نهی از اسراف، رزمنده مسلمان حق ندارد در جنگ از حد خود تجاوز نموده و دست به کشتار و تخریبی بزند که مجاز به آن نبوده است. دلیل بر این قاعده، آیه شریفه‌ای است که اسراف در کشتار را نهی می‌کند: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ (اسراء (۱۷): ۳۳)؛ و خونی را که خدا محترم شمرده مریزید، مگر آن که کشتن او حق باشد، و کسی که مظلوم و بی‌گناهی را بکشد، ما برای او قدرت قانونی قرار داده‌ایم (که می‌تواند قاتل را بکشد) پس نباید کسی در خون ریزی از حد تجاوز کند که کشته بی‌گناه به وسیله قانون یاری شده است.

صاحب المیزان در این باره می‌گوید: «کسی که مظلوم کشته شده باشد ما به حسب شرع برای صاحب خون او سلطنت قرار دادیم، تا اگر خواست قاتل را قصاص کند، و اگر خواست خون‌بها بگیرد، و اگر هم خواست عفو کند، حال صاحب خون هم باید در کشتن اسراف نکند، و غیر قاتل را نکشد، و یا بیش از یک نفر را به قتل نرساند، و بداند که ما یاریش کرده‌ایم و به هیچ وجه قاتل از جنگ او فرار نمی‌کند، پس عجله به خرج ندهد و به غیر قاتل نپردازد.» (طباطبایی، (بی‌تا)، ج ۱۳، ص ۱۲۳) به این ترتیب ملاحظه می‌شود که خون انسان‌ها به‌ویژه انسان‌های بی‌گناه چقدر ارزش و اهمیت دارد که قرآن کریم به صراحت از آن با احترام یاد می‌کند، و فرد خون به ناحق ریخته را مجرم، و جرم او را تحت عنوان جرم اسراف در قتل نامیده است.

ممکن است این سوال مطرح شود که آیا این ارزش‌گذاری به خون انسان‌ها صرفاً مربوط به مسلمانان است و یا شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود؟ پاسخ به این سوال را قرآن داده است: ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾؛ (مائده (۵): ۳۲) هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد، و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.

آیه کشتن به ناحق را مقید به مسلمانان نکرده است، بلکه «جان همه انسان‌ها، از هر نژاد و منطقه که باشند را محترم شمرده است» (قرآنی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۷۶). بنابراین، از آن جایی که کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، نه تنها باعث کشتار وسیع افراد شده و آثار آن می‌تواند طی سالیان متمادی در محیط زیست باقی بماند و بر نسل‌های بعدی اثرات سویی بگذارد؛ این سلاح‌ها مصداقی از اسراف بوده و استفاده‌کنندگان آن همان مسرفین هستند، لذا مطابق با این معیار، در زمره ممنوعیت قرار می‌گیرد.

۴-۳. ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی و قدرت دفاعی!

بی شک مجهز شدن به تجهیزات و ابزارهای دفاعی روز یکی از دستورات شارع مقدس است که فرمود: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال (۸): ۶۰). و برای (آمادگی مقابله با) دشمنان، هر چه می‌توانید از نیرو و از تسلیحات و ابزار جنگی و اسبان سواری فراهم کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و نیز (دشمنانی) غیر از اینان را که شما آنان را نمی‌شناسید، ولی خداوند آن‌ها را می‌شناسد، به وسیله آن بترسانید.

اینجا ممکن است این سوال مطرح شود، با توجه به این‌که اسلام بر ارتقای قدرت دفاعی تأکید دارد، چرا مسلمانان بمانند دشمنان اسلام، نباید خود را به سلاح‌های روز مانند سلاح‌های کشتار جمعی مجهز کنند تا از قدرت دفاعی بالایی برخوردار باشند؟ در پاسخ باید گفت اگر چه ارتقای قدرت دفاعی و مجهز شدن به تجهیزات پیشرفته نظامی از تأکیدات اسلام است، اما اسلام با مجهز شدن به سلاح‌های جنگی چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا هدف آن است که با دست‌یابی به سلاح‌های جنگی مانند سلاح‌های کشتار جمعی مردم جهان را نابود سازد؟ محیط زیست طبیعی را تخریب

کند؟ مگر قرار است هر فعل و اقدامی که از سوی دشمنان انجام می‌گیرد، مسلمانان نیز همان اقدام را انجام دهند؟ بدیهی است که این‌گونه نیست؛ زیرا که نیروهای مسلمان که از احکام اسلامی و تعالیم الهی تبعیت می‌کنند، اقدام به اعمالی نمی‌نمایند که توجیه آن نوع اعمال از سوی دشمنان است، یا رفتاری همانند رفتار غیرموجه دشمن انجام دهند. زیرا که «اصل رعایت عدل و انصاف در استیفای حقوق حقه و تاکید بر پرهیز از تجاوز از حدود و مقررات در چندین آیه قرآن (بقره ۲): ۱۹۰؛ مائده (۵): ۲) به صورت اوامر هشدار دهنده یادآوری شده است و مسلمانان باید مراقب باشند که مقابله با تجاوز خود به عمل تجاوز تبدیل نگردد که تجاوز هرگز مجوز تجاوز نیست و باید جانب عدالت و تقوی رعایت شود» (عمید زنجانی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۱۲۷).

نقل شده است: در جنگ‌های دوران جاهلیت مرسوم بود اجساد کشته شدگان را مثله می‌کردند، اما در جنگ احد زمانی که مشرکان عموی پیامبر ﷺ حمزه بن عبدالمطلب را کشتند و ددمنشانه بدن او را مثله کردند، پیامبر ﷺ از عمل آنان بر آشفت و این دستور صریح را به مومنان صادر کرد که حتی یک سگ را هم مثله نکنید (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۶۹). یا این‌که از امام علی علیه السلام نقل شد: «وقتی رسول خدا ﷺ مرا به یمن فرستاد، فرمود: «یا علی! با هیچ کس جنگ نکن، مگر این‌که پیش از آن او را به اسلام دعوت کنی، به خدا قسم اگر خدا یک نفر را به وسیله تو هدایت کند برایت از آن چه خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، بهتر است.» (همان، ج ۱۱، ص ۳۰، حدیث ۱؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۳۵). این شیوه رفتاری پیامبر اعظم ﷺ دلالت بر دارد که اسلام، هدایت و نجات انسان‌ها و تکریم بشر را مورد توجه داده و به همین دلیل برای حفظ حکومت، استفاده از روش‌های غیرانسانی را محکوم کرده و راه‌های مسالمت‌آمیز را مقدم دانسته و جز در موارد ضروری، دست به اسلحه نمی‌برد.

در واقع، وقتی قرآن کریم مجهز شدن به جنگ‌افزارهای دفاعی را صادر می‌کند، اشاره به هدف منطقی و انسانی دارد، نه آن‌که دستور دهد، ای مسلمانان لازم است به انواع سلاح‌های مخرب مجهز شوید تا همه انسان‌ها را نابود کنید؛ اموال و سرزمین آن‌ها را ویران سازید. چرا که در اسلام، نبرد با دشمن «نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی، و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است، هدف یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه‌ها و آشوب‌ها که سلب آزادی و امنیت از مردم

می‌کند و هم چنین محو آثار شرک و بت پرستی، و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵) پر واضح است که کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی که ماهیت آن تخریب و انهدام وسیع و فراگیر، نه فقط بر نسل حاضر، بلکه بر نسل‌های بعدی است، در تضاد آشکار با اهداف یاد شده و این امر و منطق قرآنی است که رعایت ﴿وَلَا تَعْتَدُوا﴾ (بقره ۲: ۱۹۰) در جنگ را واجب می‌داند؛ از این رو، توسل به تسلیحات کشتار جمعی را مخصوص کسانی می‌داند که فاقد منطق و اندیشه انسانی هستند.

حضرت امام خمینی علیه السلام همه مشکلات بشر کنونی و نیز جنایت‌ها و کشتارهایی که در دو جنگ جهانی اول و دوم شده را ناشی از رفتار کسانی دانسته که فاقد منطق و اندیشه انسانی بوده‌اند. چنان‌که فرمودند: «از اول، بشر مبتلای به همین مشکل بوده که اسلحه در دست اشخاص ناصالح بوده است... تا خلع سلاح نشوند این اسلحه دارهای ناشایسته، کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند... با این اسلحه‌ها چه جنایت‌ها که واقع شده است... این جنگ‌هایی که اخیراً یعنی در این صد سال در دنیا اتفاق افتاده است، جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی، این جنگ‌هایی که در ویتنام در این آخر اتفاق افتاده، این کشتارهایی که از مردم شد برای این بود که اسلحه‌ها در دست غیر صالح بود، ناشایسته‌ها اسلحه‌ها را به دست داشتند» (صحیفه نور، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۲).

ایشان در مناسبتی دیگر ضمن تاکید بر تهدید آمیز بودن سلاح‌های مخرب برای جهان (صحیفه نور، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۱۰۲) کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان را خواسته همه ملت‌ها اعلام کرده و فرمودند:

«کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست» (صحیفه نور، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۲۳۸).

مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در مناسبتی درباره سلاح هسته‌ای به عنوان یک نمونه از سلاح کشتار جمعی فرمودند: «امروز هیچ ملت عاقلی، هیچ مسئولین عاقلی، به دنبال تسلیحات هسته‌ای نمی‌روند. ملت ایران هم از لحاظ مبنای اسلامی و فکری با این جور تسلیحات مخالف است، هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است. تسلیحات هسته‌ای جز هزینه ایجاد و هزینه نگهداری هیچ فایده‌ای ندارد. تسلیحات هسته‌ای برای یک ملت قدرت نمی‌آورد...» (مقام معظم رهبری مدظله، ۱۳۸۷).

معظم له در فرازی دیگر از پیام‌شان به مناسبت آغاز به کار نخستین کنفرانس بین‌الملل خلع سلاح و عدم اشاعه که به تاریخ ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۸۹ در تهران برگزار شد، مجدداً تأکید فرمودند: «از زمانی که انفجار نخستین جنگ‌افزارهای هسته‌ای توسط دولت ایالات متحده در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه‌ای انسانی با ابعاد بی‌سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح‌ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته‌ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیر نظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید، و حتی به نسل‌های بعدی نیز خسارت‌های جبران ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم‌ترین قواعد بشردوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می‌گردد» (مقام معظم رهبری^{مدظله}، ۱۳۸۹).

در واقع، معظم له مجهز شدن به سلاح‌های کشتار جمعی را مساوی با آمادگی و حفظ قدرت دفاعی در راستای دستور قرآنی ارزیابی نمی‌نمایند. زیرا هدف از ایجاد آمادگی ایجاد رعب و وحشت و احساس ناامنی در دل دشمنان خدا است تا احدی جرأت تعدی و تجاوز به مسلمانان را نداشته باشد ﴿...ثُرْهُبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...﴾ (انفال (۸): ۶۰)، نه آن که رعب و وحشت در دل آحاد ملت از دوست و دشمن صلح طلب (ممتحنه (۶۰): ۸)، زن و کودک، بیمار و علیل، نظامی و غیر نظامی ایجاد کند. چنان‌که مقام معظم رهبری در بخشی دیگر از پیام‌شان به کنفرانس یاد شده، فرمودند: «به دنبال دستیابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته‌ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیر عقلانی و ضد انسانی است. ولی به رغم این بدیهیات اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه جهانی برای نابودی این سلاح‌ها توسط گروه انگشت‌شماری از دولت‌ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده‌اند، نادیده گرفته شده است. اصرار این دولت‌ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح‌ها، که هیچ کاربردی جز ارعاب و ترور دسته جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته‌ای جهان را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیر عقلانی هزینه شده‌اند تا هر یک از ابرقدرت‌ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره

خاکی منجمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد، بازدارندگی مبتنی بر، نابودی تضمین شده متقابل، یا دیوانگی نام گرفته است» (مقام معظم رهبری^{مدظله}، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در آن عصری که استفاده از هرگونه وسایل و روش در جنگ برای پیروز شدن در مصاف با دشمن امری عادی بود و سخن از قاعده‌مند بودن جنگ مضحک به نظر می‌رسید، اسلام قواعد و مقرراتی را برای صحنه نبرد ترسیم نموده و اعلام داشته رزمنده مسلمان در حق انتخاب سلاح آزاد نبوده و از به‌کار بردن سلاح‌هایی که درد و رنج و آلام بیهوده و غیر لازم ایجاد می‌نمایند، ممنوع می‌باشد. اسلام، استفاده از سلاح‌های جنگی را به منظور تهدید و ارباب و مقابله با دشمنان ستمگر و ظالم لازم و ضروری دانسته است. ولی هرگز آن را آزاد و نامحدود نگذاشت، بلکه محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی را بر آن وضع نموده است. یعنی رفتار مطلق و بی‌قید و شرط را در مخاصمات مسلحانه جایز ندانسته، بلکه رعایت آن چه را که کرامت انسان اقتضا دارد، الزامی شمرده است و تخلف از آن را تعدی از حدود الهی محسوب کرده است. زیرا که هدف اصلی اسلام هدایت و نجات انسان‌ها بوده است، نه قتل و کشتار او.

هر چند قرآن کریم مسلمانان را امر به قوی شدن در مقابل دشمنان نموده و فرمان داده تا جهت بازدارندگی از هجوم دشمنان به کارآمدترین وسایل دفاعی روز مجهز شوند؛ اما نگاهی به سایر آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نشان می‌دهد که منظور از این تجهیز، مجهز شدن به ابزار متعارف دفاعی است و نه مجهز شدن به سلاح‌های کشتار جمعی. زیرا تولید و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی مغایر با اهداف عالیه انسانی اسلام و نیز از مصادیق افساد و اسراف در زمین، تعدی به حقوق بشر، نه تنها نسل حاضر بلکه نسل‌های بعد و نیز همکاری در طریق اثم می‌باشد.

بر مبنای چنین دیدگاه قرآنی است که سلاح‌های کشتار جمعی به هر عنوانی اعم از بازدارندگی یا مقابله به مثل، هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی نظام اسلامی وجود ندارد. چنان‌که حضرت امام علیه السلام در دوران هشت سال دفاع مقدس، با وجود بمباران شیمیایی شهرهای کشور توسط رژیم بعثی عراق، دستور به اجازه اقدام متقابل برای رزمندگان اسلام را نداده‌اند. در شرایط کنونی نیز مقام معظم رهبری بر اساس معیارهای دین مبین اسلام و اصول اخلاقی، تولید، تکثیر و به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی را محکوم و حرام اعلام کرده و فرمودند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح

هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملّت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم» (مقام معظم رهبری^{مدظله}، ۱۳۸۹).

در پایان پیشنهاد می‌شود، همواره ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه اسلام در مجامع علمی و نیز همایش‌ها تبیین شود؛ تا اولاً جامعه بین‌المللی به‌ویژه اندیشمندان و نخبگان فکری با دیدگاه‌های واقعی اسلام در این باره آشنا شده؛ و ثانیاً، با تبادل آموزه‌های بشردوستانه با پیروان سایر ادیان، زمینه‌های مشترکی برای حمایت و صیانت از کرامت انسانی نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه ایجاد گردد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، (۱۳۷۹ش)، ترجمه محمد دشتی، تهران، زهد.

الف) کتاب‌ها

۱. ابوالوفاء، احمد، (۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م) الاعلام بقواعد القانون الدولي و العلاقات الدوليه فى شريعه الاسلام (۱۵ جلدی)، قاهره، دارالنهضة العربية.
۲. بجنوردی، سید محمد حسن، (۱۳۷۷ش)، القواعد الفقهيه، ترجمه مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی، قم، الهادی.
۳. بوازار، مارسل آ، (۱۳۶۲ش)، انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران، انتشارات طوس.
۴. پورتر، گرت (۱۳۹۳ش)، بحران ساختگی: داستان ناگفته هراس از ایران هسته‌ای، تهران، انتشارات موسسه خبرگزاری فارس.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶ش)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۶. جعفری، سید اصغر، (۱۳۹۴ش)، تحلیل ابزارها و روش‌های ممنوعه در جنگ از دیدگاه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲ق)، الوسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۸. راغب اصفهانی (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفة.
۹. روسو، شارل، (۱۳۷۴ش)، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجانی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
۱۰. زمانی، سید قاسم، (۱۳۷۶ش)، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۱. ساعد، نادر، (۱۳۸۹ش)، حقوق خلع سلاح و حاکمیت دولت‌ها، تهران، انتشارات خرسندی.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (بی تا)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳ش)، فقه سیاسی، حقوق و قواعد مخاصمات مسلحانه در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷ش)، فقه سیاسی، حقوق بین‌الملل اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۵. الغریب، محمد میشل، (۱۳۸۹ش)، جرائم جنگ‌های شیمیایی، ترجمه محمد علی عسگری، تهران، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۶. فالولر، ویل، (۱۳۸۱ش)، اسلحه و جنگ‌افزارها در دوران جدید، ترجمه سهیلا زمانی، تهران، انتشارات دل‌هام.
۱۷. قرائتی، محسن، (۱۳۷۵ش)، تفسیر نور، قم، موسسه در راه حق.
۱۸. کاسسه، آنتونیو، (۱۳۷۵ش)، نقش زور در روابط بین‌الملل، ترجمه مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگه.
۱۹. کردبچه حسین آباد، مهدی، (۱۳۸۶ش)، تحدید تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی در حقوق بین‌الملل (با رویکردی به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)، تهران، نشر سریر.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، اصول کافی، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۳ش)، حقوق بشردوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۲. معین، محمد، ۱۳۸۲ش، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر.
۲۳. مقام معظم رهبری مدظله، (۱۳۸۹ش)، «پیام خطاب به اجلاس بین‌المللی خلع سلاح در تهران»، ۲۷ فروردین ۱۳۸۹.
۲۴. مقام معظم رهبری مدظله، (۱۳۸۷ش)، بیانات، «مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (علیه السلام)» ۱۴ خرداد ۱۳۸۷.
۲۵. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (بی‌تا)، زبده البیان فی احکام القرآن، محقق محمدباقر بهبودی، تهران، المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. ممتاز، جمشید، (۱۳۷۷ش)، حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان، تهران، نشر دادگستر.
۲۸. موسوی خمینی، سیدروح الله، (بی‌تا)، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (علیه السلام)، صحیفه نور (۲۲ جلدی)، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

۲۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۸ش)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

۳۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷ق)، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ب) مقالات

۱. اصغری، سید محمد، (بهار ۱۳۸۸ش)، «عدالت به مثابه قاعده فقهی و حقوقی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱
۲. ایدرم، حسن، (۱۳۸۶ش)، «مبانی قرآنی حقوق بشر دوستانه»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
۳. جعفری، سیداصغر، (۱۳۹۲ش)، «بررسی تطبیقی قواعد حاکم بر ممنوعیت برخی از تسلیحات در کنوانسیون‌های بشردوستانه و اسلام»، مجموعه مقالات دومین همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. جعفری، سیداصغر، (تابستان ۱۳۹۶ش)، «اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۲.
۵. جعفری، سیداصغر، (پاییز ۱۴۰۱ش)، «اصول حاکم بر نبردها در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه، سال دهم، شماره ۳۹.
۶. فاضل لنکرانی، محمدجواد، (بهار و تابستان ۱۳۹۳ش)، «تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»، دوفصلنامه فقه و اجتهاد، شماره ۱.
۷. مبلغی، احمد، (خرداد ۱۳۹۰ش)، «دلایل فقهی تحریم سلاح‌های اتمی»، فصلنامه اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، شماره ۹.
۸. وزیری، مجید، (بهار ۱۳۹۵ش)، «قاعده وزر در آثار مجازات»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۳ پیاپی.
۹. یوسفی راد، مرتضی، (۱۳۸۶ش)، «مبانی قرآنی حقوق بشردوستانه»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌المللی بشردوستانه، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.